

مقدمه مترجمان

در دو دهه اخیر رویکرد نظریه ذهن یکی از جدیدترین و جالب‌ترین مباحث در حیطه شناخت اجتماعی تلقی شده و توجه بسیاری از روان‌شناسان تحولی‌نگر را به سوی خود جلب کرده است. چهارچوب اولیه نظریه ذهن شناخت اجتماعی است. شناخت اجتماعی در یک بررسی کلی، به توصیف و تبیین چگونگی شکل‌گیری دنیای اجتماعی کودک، درک «خود» و «دیگری»، شناخت روابط انسانها با یکدیگر در بافتهای اجتماعی مختلف و درک عوامل مؤثر بر ارتباط انسانها می‌پردازد. دانش کودک درباره دنیا بیش از هر چیز بر درک او از «دیگران» و «خود» و چگونگی عملکرد آنها متکی است. این سؤال اساسی مطرح می‌شود که کودکان چگونه به احساسات، نیازها، علایق، و باورهای دیگران پی می‌برند. توانایی درک حالات روانی و ذهنی «خود» و «دیگران» در چه زمانی شکل می‌گیرد؟ با تغییر سن چه تحولاتی در این توانایی رخ می‌دهد؟ این نوع سؤالات دغدغه‌های فکری روان‌شناسان تحولی‌نگر است که در پی درک دنیای ذهنی کودکان و اندیشه‌های اجتماعی آنان هستند.

رویکرد نظریه ذهن جدیدترین حیطه پژوهش درباره تحول شناخت اجتماعی کودکان است. تا دهه ۱۹۸۰، روان‌شناسان تحولی‌نگر برای پاسخ‌گویی به سؤالات فوق‌الذکر، به نظریه پیازه متکی بودند. پروفیسور ژان پیازه از نخستین کسانی بود که به این سؤال که کودک در چه زمانی و چگونه خواهد توانست «دیگری» را با افکار، احساسات و دیدگاه خاص او در نظر بگیرد، پاسخ داد و با طرح مبحث مهمی چون «خودمحوری» و تحول آن، توانست مفاهیم محوری آن یعنی «تمرکز» (به معنای توجه انحصاری ذهن روی یک موضوع یا جنبه‌ای از یک موضوع یا یک دیدگاه

خاص) و «میان‌واگرایی» (به معنای رهایی ذهن از تمرکز روی یک جنبه یا دیدگاه خاص و در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف و جنبه‌های مختلف یک موضوع) را مطرح کند و نشان دهد که کودکان چگونه در حین تحول از خودمحوری خاص هر دوره به سمت میان‌واگرایی آن دوره می‌روند و در نیمه دوم دوره دوم تحول به تدریج از تمرکز صرف بر دیدگاه خود به سمت در نظر گرفتن زاویه دید دیگران تغییر مسیر می‌دهند. در واقع تمرکز و تمرکززدایی در چهارچوب تعامل‌های درون‌فردی و بین‌فردی عمل می‌کند.

می‌توان با تکیه بر مفاهیم منبعث از نظریه فلاول گفت که خودمحوری کودک بیانگر ضعف در توانایی «دیدگاه‌گیری» اوست. کودکان در جریان تحول، توانایی دیدگاه‌گیری را به دست می‌آورند و می‌توانند از منظر «دیگری» به موضوعات بنگرند و افکار و احساسات او را در نظر بگیرند. تحول توانایی دیدگاه‌گیری در کودکان به ویژه به رویکرد سلمن (۱۹۸۰) و فلاول (۱۹۶۸، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵) متکی است.

مباحث مطرح‌شده زیربنای اولیه نظریه ذهن را تشکیل می‌دهد. در واقع مباحثی چون خودمحوری پیازه، دیدگاه‌گیری فلاول و سلمن زمینه ایجاد رویکرد پیچیده‌تری را فراهم ساختند که با عنوان «رویکرد نظریه ذهن» امروزه، چنان‌که بورکلند (۲۰۰۰) بیان می‌کند، نیمی از پژوهش‌های مربوط به تحول شناخت را در آمریکا به خود اختصاص داده است. در دو دهه اخیر نظریه ذهن الهام‌بخش هزاران پژوهش در حوزه‌های مختلف تحول شناخت، آسیب‌شناسی مرضی کودک، کودکان استثنایی، آسیب‌شناسی روانی بزرگسالان و روان‌درمانی بوده است.

یافته‌های پژوهش‌های اخیر بر تأثیر نظریه ذهن در ایجاد و تشدید اختلالات روانی مختلفی چون اختلال شخصیت مرزی، اختلال شخصیت ضداجتماعی، اسکیزوفرنی، اوتیسم، اسپرگر، سندرم داون و اختلالات خلقی چون افسردگی تأکید ورزیده‌اند. از سوی دیگر، در حیطه درمان‌گری‌های مرتبط با آسیب‌های روان‌شناختی، یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در این رویکرد، در گسترش دانش

جدید ما در مورد درمان این نوع اختلالات نقش مهمی داشته است. اگرچه در سایر آسیبها و اختلالات روانی وضعیت نظریه ذهن چندان روشن نیست، در هر صورت شواهد در این زمینه‌ها رو به افزایش هستند. برخی مطالعات مؤید آن‌اند که نقص نظریه ذهن، محور برخی از اختلالات روانی است - مانند سایکوزهای درون‌زاد و اختلالاتی که در لوب فرونتال درگیری ایجاد می‌کنند و دامنه آن از سایکوپاتی تا دمانس فرونتو تمپورال را دربرمی‌گیرد. از آنجا که نظریه ذهن برای زندگی اجتماعی انسان بسیار حیاتی است، هرگونه نقص عملکردی یا ساختاری در مسیرهای عصبی این توانایی شناختی، می‌تواند کارکرد اجتماعی را به مخاطره اندازد.

به هر حال با توجه به اهمیت روزافزون این رویکرد برای شاخه‌های مختلف روان‌شناسی و حتی سایر علوم، مانند علوم عصب‌شناسی و علوم شناختی، ضرورت وجود کتابی منسجم و جامع در حوزه دانشگاهی که بتواند این رویکرد مهم را از ابتدا تا انتها مورد بررسی دقیق قرار دهد بسیار احساس می‌شد.

این کتاب را مارتین جی. داهرتی استاد دانشگاه استرلینگ و از شاگردان ژوزف پرنر تألیف کرده است. پرنر خود از نظریه پردازان مشهور رویکرد نظریه ذهن محسوب می‌شود. مارتین جی. داهرتی تلاش کرده است در فصولی منسجم و به هم مرتبط، ضمن حفظ سطح علمی کتاب، با تشریح مفاهیم کلیدی نظریه به فهم دقیق خواننده از این رویکرد کمک کند. یکی از مزیت‌های این کتاب آن است که توسط فقط یک مؤلف نگاشته شده است، که این ویژگی به انسجام درونی مطالب فصول مختلف می‌افزاید، مؤلفی که خود ارتباطی مستقیم با پرنر داشته و این رویکرد را بی‌واسطه از زبان یکی از نظریه پردازان آن فرا گرفته است.

با مروری دقیق و کلی بر تمام فصول، خواننده به خوبی هماهنگی درونی مطالب کتاب را درک می‌کند. به جرئت می‌توان گفت با مطالعه این کتاب دانشجویان و محققان روان‌شناسی، علوم عصب‌شناسی و علوم شناختی، به جنبه‌های مختلف این رویکرد تسلطی کامل خواهند یافت. این کتاب مشتمل بر یازده فصل

است. در فصل اول مقدمه‌ای بر نظریه ذهن مطرح شده است که در آن، مباحث مقدماتی و مفهومی از نظریه ذهن در کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم به تعریف و تبیین باورهای کاذب و نقش این مفهوم کلیدی در رویکرد نظریه ذهن می‌پردازد. در فصل سوم نظریه‌های مختلف درباره نظریه ذهن شامل نظریه نظریه، نظریه شبیه‌سازی، نظریه‌های مدولار ذهن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم نیز تغییرات گسترده در فهم ذهن و نیز پیامدهای این تغییرات را مورد بررسی قرار می‌دهد و مباحثی مثل خواسته ظاهر و واقعیت و پژوهشها و نظریه‌هایی که در این مورد وجود دارد، رابطه دانش و تجربه و تکالیف نظریه ذهن را مطرح می‌کند. در فصل پنجم تواناییهای مرتبط با نظریه ذهن، مانند فهم کودکان از تجسم تصویری، تجسم بازی و تصاویر دو گانه بررسی می‌شود. فصل ششم به پدیده وانمود، بازیهای وانمودسازی، رابطه وانمودسازی و فهم اجتماعی می‌پردازد. در فصل هفتم در مورد نقش نگاه در ادراک دیگران با مباحثی مثل ادراک نگاه مستقیم، ادراک جهت نگاه، قضاوت نگاه بحث می‌شود. در فصل هشتم عملکرد اجرایی و نظریه ذهن و در فصل نهم نقش زبان در تحول نظریه ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دهم نقص نظریه ذهن در قالب یکی از اختلالات یعنی اوتیسم، به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد و فصل یازدهم نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

سخن آخر آنکه این کتاب برای استفاده بسیاری از دانشجویان رشته‌های مختلف روان‌شناسی کاربرد دارد؛ در دروسی مثل روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی رشد پیشرفته، روان‌شناسی مرضی کودک و کودکان استثنایی (در مباحثی مثل اوتیسم، اسپرگر، رت، سندرم ویلیام، سندرم داون، سندرم فراژیل X، کودکان ناشنوا، کودکان نابینا، کودکان مبتلا به اختلالات ضداجتماعی، اختلالات سلوک) در درس آسیب‌شناسی روانی (در مباحثی مثل اختلالات شخصیت در محور دو، به ویژه اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی، اختلال شخصیت اسکیزوئیدی)، در اختلالات روانی شدید مثل انواع سایکوزها (به ویژه اسکیزوفرنی و اختلالات

خلقی). بنابراین، این کتاب می‌تواند یک کتاب درسی یا کمک‌درسی در حیطه‌های نامبرده به ویژه برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری محسوب شود. مترجمان تلاش کرده‌اند ضمن حفظ سطح علمی کتاب با انتخاب واژگانی ساده و سلیس و در عین حال عمیق، رعایت امانت را به جا آورند. تدوین واژه‌نامه‌ای در انتهای کتاب خواننده را از لغت‌نامه تخصصی بی‌نیاز می‌کند.

امید است این کتاب بتواند در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی ایران به ویژه در کرسیهای روان‌شناسی تحولی در دانشگاههای کشورمان، جایی را برای نظریه ذهن بگشاید.

دکتر زینب خانجانی

فاطمه هداوندخانی

درباره این کتاب

بیشتر ما می‌دانیم که دیگران افکار و احساساتی دارند. اما آیا کودکان هم این را می‌دانند؟ آنها از چه زمان به این موضوع پی می‌برند؟ این کتاب مروری خلاصه و قابل فهم بر پژوهشی گسترده درباره فهم کودکان از افکار و احساسات دیگران است؛ یکی از موضوعات اساسی روان‌شناسی تحولی که آن را به نام «نظریه ذهن» می‌شناسیم.

فهم باور در مرکزیت این کتاب قرار دارد و در قالبی ساده توضیح می‌دهد که نظریه ذهن تجسمی چیست و محققان چگونه وجود این فهم را در ۴ سالگی به اثبات رسانده‌اند. این کتاب عواملی را که منجر به این فهم می‌شوند نیز توضیح می‌دهد. این عوامل بازی و انمودی، فهم توجه و جهت نگاه، و سایر عواملی را که پیش‌درآمدهای فهم تجسمی ذهن هستند دربرمی‌گیرد. ارتباط کلی نظریه ذهن با استفاده از تحول سایر مفاهیم ذهنی و نیز رابطه بین فهم تجسمی ذهنی و دیگر وسایل بازنمایانه بیان شده است. همچنین نویسنده پژوهشهای اخیر را نیز که به بررسی ارتباط نظریه ذهن با عملکرد اجرایی و فهم زبان پرداخته‌اند خلاصه‌بندی کرده است. این کتاب با مبحث اوتیسم به پایان می‌رسد. مهم‌ترین پیشرفت حوزه پژوهشی نظریه ذهن آن است که به تبیین اختلال تحولی معماگونه نایل شده است.

این کتاب با مروری جامع بر پژوهشهایی که در ۲۵ سال گذشته بر روی نظریه ذهن انجام شده است، می‌تواند مورد توجه و علاقه دانشجویان و محققان روان‌شناسی، فلسفه، و علوم شناختی قرار گیرد.

مارتین جی. داهرتی در شفیلد متولد شده و روان‌شناسی را در دانشگاه بریستول خوانده است. او پس از دریافت کارشناسی ارشد در رشته علوم شناختی در دانشگاه وارویک، دکترای تخصصی خود را در دانشگاه ساسکس تحت نظارت ژوزف پرنر که پایه‌گذار و هدایت‌کننده پژوهش‌های نظریه ذهن است به پایان رساند. مارتین داهرتی در حال حاضر استاد دانشگاه استرلینگ است.